

آگاه‌سازی خانواده‌ها گام بعدی سامان‌دهی

پای صحبت خسرو داوودی، مؤلف کتاب‌های درسی و آموزشی ریاضی

خسرو داوودی، مؤلف کتاب‌های درسی و آموزشی معتقد است، پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان، مهم‌ترین ضرورت تولید آثار آموزشی و کمک‌درسی است. البته به این شرط که در راستای برنامه‌درسی باشند. او می‌گوید گرچه طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی روند رو به رشدی را طی کرده است، اما ارتباط با والدین برای آگاه ساختن آن‌ها از منابع استاندارد و نیز تغییر نظام آموزشی به کیفی و توصیفی می‌تواند این روند را تسریع کند.

فرهنگ عمومی جامعه ما، فرهنگ مقایسه‌ای در همه ابعاد است. مردم دائماً داشته‌ها و نداشته‌های خود را با هم مقایسه می‌کنند. البته این فرهنگ خوبی نیست، اما این واقعیت وجود دارد. در مورد آموزش هم همین اتفاق می‌افتد. همه والدین دوست دارند فرزندشان در کنکور رتبه خوبی داشته باشد و به این فکر نمی‌کنند که او چه توانایی و استعدادی دارد. از سوی دیگر، فرهنگ مردسالاری و زن‌سالاری جای خود را به فرزندسالاری داده است که از هر چیز بهترین را می‌خواهد. توجیه کردن والدین برای این موضوع که فرزند آن‌ها چه سطحی دارد، خیلی سخت است. در این فرهنگ، مطالبه اولیا زیاد است و حتی دقت نمی‌کنند که چه کتابی برای فرزندشان مناسب است. به همین دلیل با خریدهای زیاد کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی از سوی والدین مواجه هستیم. به گونه‌ای که حتی اگر مدرسه هم در این زمینه اقدامی نکند، والدین مطالبه می‌کنند. در مدرسه‌های غیردولتی این روند به شکل فزاینده‌ای رو به افزایش است. در مدرسه‌های دولتی هم والدین این تفکر را دارند که با کتاب، فرزندشان موفق می‌شود. در چنین فرهنگی است که مصرف بالا می‌رود و به تبع آن عرضه بیشتر می‌شود.

← همان‌طور که گفتید، خانواده‌ها سه‌م مهمی در این موضوع دارند. برای روشن ساختن ذهن آن‌ها چه راهکاری را می‌توان پیشنهاد کرد؟

به نظر می‌رسد بهترین کار فرهنگ‌سازی و آموزش والدین است. علاوه بر این، طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی باید در بخش ارتباط با خانواده‌ها فعال‌تر باشد و معرفی این بخش به خانواده‌ها شکل بهتری به خود بگیرد. تاکنون طرح سامان‌دهی بیشتر بر روی کارشناسان، معلمان و ناشران متمرکز شده است و والدین کمتر مخاطب قرار گرفته‌اند. اگر بتوانیم راهکاری ایجاد کنیم که در طرح سامان‌دهی به والدین هم توجه بیشتری صورت

← به نظر شما، منابع کمک‌آموزشی در فرایند یاددهی یادگیری تا چه اندازه نقش آفرین هستند؟

ضرورت کتاب کمک آموزشی خیلی مورد سؤال است. در نظام آموزش و پرورش ما که نظامی متمرکز است و ما تنها یک برنامه درسی ملی و یک کتاب درسی ملی داریم، طبیعتاً تنها کتاب نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه نیازهای اقبال دانش‌آموزی ما باشد. ما طیف وسیعی از دانش‌آموزان را داریم. اگر یک سر طیف دانش‌آموزان را افرادی در نظر بگیریم که معلمان و امکانات و شرایط خوبی ندارند و ساعات آموزشی‌شان از سطح استاندارد پایین‌تر است و سر دیگر طیف را دانش‌آموزانی در نظر بگیریم که از امکانات، استعداد، مدرسه و معلم خوبی برخوردارند، می‌بینیم که نیازها متنوع‌اند. این در حالی است که برنامه درسی و کتاب درسی براساس قشر متوسط تنظیم می‌شود. در این صورت بچه‌هایی که ضعیف‌اند و از امکانات اندکی برخوردارند، نیازهای جدیدی برایشان تعریف می‌شود تا خودشان را به سطح متوسطی برسانند که کتاب برایشان تعریف کرده است. از سوی دیگر، دانش‌آموزانی که در قشر بالا قرار می‌گیرند، کتاب درسی برایشان کافی نیست و برای آن‌ها هم نیازهای جدیدی تعریف می‌شود که بعد از کتاب درسی چه کنند. با توجه به این توضیح، وقتی نظام آموزشی ما متمرکز است، بهتر است با کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی به هر دو طرف این طیف کمک کنیم.

← صاحب‌نظران متفق‌اند که منابع کمک‌درسی در سال‌های گذشته، رشد بی‌رویه و نامطلوبی داشته است. ریشه این اتفاق را در چه می‌بینید؟

همه والدین دوست دارند فرزندشان در کنکور رتبه خوبی داشته باشد و به این فکر نمی‌کنند که او چه توانایی و استعدادی دارد و حتی دقت نمی‌کنند که چه کتابی برای فرزندشان مناسب است

گیرد و توصیه‌هایی برای والدین ارائه شود، می‌توان بخشی از این مشکل را حل کرد. البته مدرسه‌ها هم وظیفه دارند در این زمینه کار کنند و به والدین آگاهی دهند. علاوه بر این، موضوعاتی هستند که به فرهنگ عمومی جامعه باز می‌گردند. در این زمینه هم نظام باید تصمیماتی بگیرد تا فرهنگ اصلاح شود و نرَم‌های جامعه تغییر کنند.

← از نظر شما، مهم‌ترین ویژگی منابع آموزشی استاندارد چیست؟

وقتی نام کمک‌درسی یا آموزشی روی کتابی قرار می‌گیرد، طبیعتاً مهم‌ترین موضوع این است که در راستای برنامه درسی باشد. یعنی محتوای کتاب به برنامه درسی کمک کند؛ اما اتفاقی که در جامعه می‌افتد نشان می‌دهد این موضوع برای مردم مهم نیست. منظور از مردم، هم خریدار و هم ناشر است. هیچ کدام از آن‌ها به این توجه ندارند که کتاب در راستای برنامه درسی هست یا نه. بلکه این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند که آیا کتاب در ارزشیابی‌های مرسوم جامعه به دانش‌آموز کمک می‌کند یا نه. برخی کتاب‌ها مثلاً به موفقیت در کنکور دانش‌آموز کمک می‌کنند؛ گرچه استانداردهای کتاب آموزشی مطلوب را ندارند. من فکر می‌کنم این مشکل زمانی حل می‌شود که ما در نظام ارزشیابی‌مان تجدیدنظر کنیم و کیفیت آن را بالا ببریم. آن وقت است که جامعه به‌طور خودکار به سمت کتاب آموزشی مناسب می‌رود. مثال وضعیت دوره ابتدایی در این زمینه مناسب است. ما سال‌ها با ناشران صحبت می‌کردیم که کتاب آموزشی استاندارد چه مطلوبیتی دارد. اما اکنون تا حد

زیادی این مشکل در دوره ابتدایی حل شده، چون نظام ارزشیابی تغییر کرده است. در واقع این دوره از حالت امتحانی خارج شده و به سمت ارزشیابی کیفی و توصیفی حرکت کرده است. اکنون کتاب‌های کاری که برای دوره دبستان نوشته می‌شوند - به‌خصوص در حوزه ریاضی - نسبت به گذشته بهتر و با کیفیت‌تر هستند و من عامل این موضوع را در اصلاح نظام ارزشیابی می‌دانم. اگر در دوره‌های تحصیلی بعد هم نظام ارزشیابی تغییر کند، مطمئناً کتاب‌هایی که

تولید می‌شوند به مطلوبیت مدنظر ما نزدیک‌تر خواهند بود.

← به نظر شما منابع غیراستاندارد چه آسیبی به یادگیرنده و فرایند یاددهی یادگیری می‌زنند؟

آسیب دو نوع است. زمانی کتابی در راستای برنامه درسی نیست که می‌توان آن را آسیب تلقی کرد؛ اما به نظر من آسیب آن مخرب نیست. در نظام آموزشی ما شاید کتابی از نظر برنامه درسی خوب نباشد، اما به ارزشیابی کمک کند. در این بخش نه والدین مقصرد و نه ناشران. این نوع کتاب‌ها را نمی‌توان گفت چون آسیب‌زا هستند، باید حذف شوند. نگاه ما از ابتدا در بخش سامان‌دهی به آینده است. ما می‌خواهیم به این حد از مطلوبیت برسیم، اما دلیل اینکه تا به حال نرسیده‌ایم این است که ارزشیابی‌مان تغییر نکرده است. اما نوع دیگری از آسیب‌ها که مخرب هستند مربوط به کتاب‌های حل المسائل است. این کتاب‌ها حتی به کنکور و امتحان نهایی دانش‌آموزان هم کمک نمی‌کنند. پس به نظر می‌رسد باید کتاب‌های غیراستاندارد را از هم تفکیک کنیم. یک دسته کتاب‌هایی که مخرب‌اند و به ارزشیابی دانش‌آموزان هم کمک نمی‌کنند و دسته دیگر کتاب‌هایی که از نظر ما غیراستاندارد هستند اما فعلاً به نظام ارزشیابی آموزشی ما کمک می‌کنند.

← شما روند فعالیت‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی را چگونه ارزیابی می‌کنید و به نظر شما نقطه ایده‌آل فعالیت‌های این بخش کجاست؟

به نظر من طرح سامان‌دهی روند مثبتی داشته، اما سرعتش کم است. عمده مشکل هم به طرح سامان‌دهی بر نمی‌گردد. به این موضوع مربوط می‌شود که بخش ارزشیابی هم باید به کمک بیاید. اما موضوعی که می‌تواند مستقل از ارزشیابی و نظام آموزشی به کار کیفیت بیخشد، این است که ما باید به سمتی حرکت کنیم که خروجی طرح سامان‌دهی بهتر معرفی شود. مثلاً در کتاب درسی یا در آموزش و پرورش تبلیغ بهتری برای آن‌ها صورت بگیرد تا مدرسه‌ها به تدریج از منابع استاندارد استفاده کنند. ما نباید استفاده از هر نوع کتاب کمک‌آموزشی و کمک‌درسی را در مدرسه‌ها ممنوع کنیم، بلکه باید استفاده از کتاب تأیید شده و استاندارد را تشویق کنیم. همچنین وقتی به مناسبت هفته کتاب چند هزار نمایشگاه برگزار می‌کنیم، باید کتاب‌های این نمایشگاه را از میان کتاب‌های استاندارد و تأیید شده انتخاب کنیم. اگر این اتفاقات بیفتند، به رشد سریع‌تر طرح سامان‌دهی کمک می‌شود.

